

## بسترهای روایی موثر بر بازنمایی‌های عاشقانه در میان ده رمان نوجوان فارسی

عاطفه جمالی \*

فرامرز خجسته \*\*

زهرا موثق \*\*\*

### چکیده

عشق از اصلی‌ترین مضامین تاریخ ادبیات فارسی است؛ چه در قالب‌های منظوم و منثور و چه در اشکال روایی و غیرروایی‌اش. با وجود گستردگی، تکرار و شناسندگی دیرپایش، رمان نوجوان، سهم اندکی از این بن‌مایه‌ی کهن ادب فارسی داشته است. در این جستار با روش تحلیل محتوای کیفی به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که بازنمایی عشق در رمان‌های واقع‌گرای نوجوانی که در سالهای پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۴۰۰ منتشر شده‌اند، تحت تاثیر کدام بسترهای روایتی است؟ نتیجه‌ی پژوهش نشان می‌دهد در رمان‌های نوجوان فارسی، چهار بستر روایی وجود دارد که خویشکاری‌های عاشقانه بر روی آنها بازنمایی می‌شوند. این بسترها عبارتند از: تنهایی؛ با حرکت از تنهایی فیزیکی به تنهایی روان‌شناختی؛ تضاد طبقاتی؛ با حرکت به سمت فقدان تضاد طبقاتی؛ کانونی‌شدگی معشوق؛ با حرکت از کانونی‌سازِ مذکر به کانونی‌سازِ مونث؛ و فضا؛ با حرکت از بازنمایی عشق در روستا به بازنمایی عشق در شهر. نیز مشخص شد تحول در هر یک از این بسترها، می‌تواند به صورت بالقوه به دگرگونی در بسترهای روایی دیگر منجر گردد.

واژه‌های کلیدی: بسترهای روایی، رمان نوجوان، عشق، بوطیقا

---

\* دانشیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، هیئت علمی، [jamali.atefeh@gmail.com](mailto:jamali.atefeh@gmail.com) (نویسنده‌ی مسئول)

\*\* دانشیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، هیئت علمی، [faramarz.khojasteh@gmail.com](mailto:faramarz.khojasteh@gmail.com)

\*\*\* دانش‌آموخته‌ی ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه هرمزگان، [Zahra.free@gmail.com](mailto:Zahra.free@gmail.com)

تاریخ پذیرش مقاله:

تاریخ دریافت مقاله:

## ۱. مقدمه

ادبیات فارسی چه در شکل عامیانه‌ی خود و چه در شکل رسمی و درباری‌اش، از پربارترین گونه‌های ادب غنایی جهان است. همین پیشینه، که البته حاصل ارتباط و امتزاج فرهنگ‌های متعدد در فلات ایران است، به تثبیت تصاویر و استعاراتی ویژه برای بیان عشق منجر شد که قرن‌ها دوام یافته‌اند. انسان ایرانی، عشق را، در سایه‌ی همین مجموعه‌ی عظیم غنایی می‌فهمید و در سایه‌ی همین‌ها نیز توصیف می‌کرد: «رابطه با فرهنگ ملت‌هایی که از لحاظ تاریخی، چه در صلح و چه با جنگ، به تبادل ذهنی با ما می‌گرایدند، مبنای تحول و تکامل نظریه‌ی انسان و عشق گردید» (مختاری، ۱۳۷۸: ۶۶).

رمان نوجوان فارسی، اگرچه پدیده‌ای نوپاست، بر شانه‌های ادبیات عامیانه و ادب رسمی ایران بالیده است. چنین خاستگاهی مستعد این است که کارکردی پدرسالارانه داشته باشد؛ بدین معنا که هم ادبیات نوپای کودک و نوجوان را با گستردگی، غنا و دیرینگی‌اش تغذیه کند، و هم با تثبیت تاریخی و فسیل‌وارگی الگوهای بوطیقایی خود، می‌تواند به مانعی برای نوجویی و تحول‌خواهی زیبایی‌شناسی نوین عشق در داستان نوجوان تبدیل شود. در این پژوهش در جستجوی یافتن این شباهت‌ها و آن نقاط شکافت هستیم. شباهت‌های بوطیقایی را حاصل تثبیت الگوهای بوطیقایی می‌دانیم و آن نقاط شکافت را حاصل نیازهای نو و پاسخ‌هایی نو می‌بینیم. پس با این فرضیه به دنبال یافتن زیرین‌ترین سطح الگوهای بازنمایی عشق بوده‌ایم که متغیرهایی موثر در زیبایی‌شناسی عشق در رمان نوجوان فارسی باشند.

پراپ معتقد بود «خویشکاری‌ها<sup>۱</sup> عناصر بنیادی قصه را تشکیل می‌دهند، عناصری که جریان عملیات قصه بر روی آنها ساخته می‌شود» (پراپ، ۱۳۹۸: ۱۵۳). ما در این

---

۱. function

پژوهش به دنبال یافتن خویشکاری‌های عاشقانه و یا کاربست نظریه‌ی پراپ در رمان نوجوان فارسی نبوده‌ایم. در عوض به جستجوی بسترهایی رفته‌ایم که بازنمایی عشق بر روی آنها امکان ظهور یافته‌اند، چرا که فرضیه‌ای که این پژوهش را شکل داد آن است که خویشکاری‌های عاشقانه لاقبل در میان نمونه‌های مورد مطالعه‌ی ما -رمان واقع‌گرا- به نظر عناصر بنیادی مرئی‌ای هستند، برخاسته از بسترهای روایی نامرئی. آنچه در این پژوهش ضمناً تلاش داریم نشان دهیم آن است که تحولات این بسترها، تا حدود قابل قبولی امکان مشاهده‌ی این بسترها را فراهم آورده است.

پس پرسش این پژوهش ابتدا این است که در میان رمان‌های نوجوان واقع‌گرای فارسی، که در آنها عشق بازنموده شده است، زیرین‌ترین لایه‌های روایی موثر بر خویشکاری‌های عاشقانه کدامند؟ ما پاسخ این سوال را با بسامدسنجی این بسترها در میان این رمان‌ها دنبال کرده‌ایم. این پژوهش همزمان تحولات این بسترها را نیز می‌کاود. پس منظور از بسترهای روایتی در اینجا، آن شرایط متنی است که نهایتاً بر خویشکاری‌های عاشقانه در رمان‌های نوجوان، تاثیر می‌گذارد. هریک از این بسترهای روایی -نه لزوماً، اما محتملاً- می‌تواند از سایر بسترها تغذیه کند، از تحولات آنان تاثیر پذیرد و با متحول شدن خود، سایر بسترها را نیز متحول سازد.

در این پژوهش ۱۰ رمان واقع‌گرای نوجوان\*، منتشره در بازه‌ی زمانی ۱۳۵۷-۱۴۰۰ با مضمون عشق، ارزیابی شده و گونه‌های دیگر روایی مثل داستان‌های فانتاستیک یا داستان کوتاه، از تحلیل کنار گذاشته شده‌اند.

## ۲. پیشینه پژوهش

از میان مقاله‌های فارسی مرتبط با موضوع این پژوهش، سه مقاله با محوریت بررسی بازنمایی عشق در آثار نوجوانان منتشر شده است.

مقاله‌ی «بازنمایی عشق به جنس مخالف در داستان‌های نوجوانان»؛ از فاضلی و علیپور، با بررسی سه سطح رفتار عاشقانه در میان شخصیت‌های نوجوان این سه داستان، نشان می‌دهد چگونه عشق تنها در یکی از داستان‌های مورد مطالعه‌ی این مقاله، در هر سه سطح روابط عاشقانه، بازنمایی شده است. (ر.ک. فاضلی و علیپور: ۱۳۹۴) این مقاله رویکردی پندآمیز نسبت به فعالین حوزه‌ی نشر نوجوان دارد و تلاش می‌کند تا جای خالی پرداخت به عشق در آثار نوجوانان را یادآور شود. واحد تحلیل در این مقاله همزمان هم داستان کوتاه و هم رمان است.

در مقاله‌ی «بررسی تجلی عشق در رمان نوجوان ایرانی»؛ از فرزانه‌فر، بر خلاف مقاله‌ی قبل، واحد تحلیل، تنها، رمان نوجوان بوده و نه هرگونه فرم داستانی. این مقاله به بررسی سه عنصر زیبایی جسمانی، مجاورت و مشابهت در میان شخصیت‌های نوجوانی که عاشق یکدیگر توصیف شده‌اند، پرداخته است. (ر.ک. فرزانه‌فر؛ ۱۳۹۴)

مقاله‌ی «بازنمایی عشق در رمان‌های نوجوان فرهاد حسن‌زاده بر اساس الگوی رابرت استرنبرگ» از مرادی و چالاک، به دنبال نشانه‌های عشق سالم بر اساس نظریه‌ی روانشناسانه‌ی استرنبرگ، در میان دو رمان *عقرب‌های کشتی بمبک* و *این وبلاگ واگذار می‌شود* می‌گردد. این مقاله نیز مانند نمونه‌های سابق، رویکردی پندآمیز نسبت به فعالین حوزه‌ی نشر کتاب کودک در خصوص بازنمایی عشق دارد و ضمناً عشق نوجوانی را بر اساس تعریف استرنبرگ در رده‌ی «عشق ابلهانه» دسته‌بندی می‌کند. خود این عنوان برخوردارنده از سوی استرنبرگ، به قدر کافی گویای رویکرد این مقاله به عشق نوجوانی نیز هست.

همچنین در پایان‌نامه‌ی «بررسی و تحلیل درونمایه‌ی عشق در رمان نوجوان بین سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۰» از معصومه کبیرنژاد، به مسئله‌ی بازنمایی عشق در رمان‌های نوجوان بر اساس نظریه‌ی اریک فروم پرداخته شده است. در این پایان‌نامه سعی شده